

تحلیل روایات بیانگر سختی و نفوذناپذیری مؤمن و نقش آن‌ها در الگوی افزایش مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی ناسالم

محبوبه ابراهیمی^۱
عباس پسندیده^۲
مهدی غلامعلی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۱

چکیده

فشارهای اجتماعی ناسالم از جمله مسائل مبتلابه انسان هستند که بر اعتقادات، رفتارها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی اثرگذارند. نحوه مواجهه با این فشارها در منابع دینی و روایات مورد توجه قرار گرفته است؛ یکی از آن‌ها روایات مربوط به سختی و نفوذناپذیری مؤمن است. هدف این پژوهش، بررسی فقه‌الحديثی این متون و تعیین نقش آن‌ها در الگوی مقاومت اخلاقی انسان در برابر فشارهای اجتماعی ناسالم است. روش تحقیق شامل دو بخش است: فقه‌الحديث عام، به منظور فهم عمومی حدیث، و فقه‌الحديث پیشرفته، برای دستیابی به فهم جامع‌تر و مقصود اصلی معصوم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آفرینش انسان به گونه‌ای است که پایداری یا ناپایداری او بر دینداری، با ویژگی نفوذپذیری یا نفوذناپذیری شخصیتش ارتباط مستقیم دارد؛ به این معنا که اگر فرد از نظر شخصیتی نفوذپذیر، نرم و منعطف باشد، در برابر فشارها ناپایدار خواهد بود و اگر شخصیتی نفوذناپذیر و مقاوم داشته باشد، می‌تواند در برابر فشارها پایدار و استوار بماند. بنابراین، برای پایداری بر اعتقادات در برابر فشارهای اجتماعی ناسالم، باید برویگی نفوذناپذیری شخصیت تأکید کرده و آن را تقویت نمود. **کلیدواژه‌ها:** فقه‌الحديث عمومی، فقه‌الحديث پیشرفته، فشارهای اجتماعی، نفوذناپذیری، مقاومت.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (arefy313.1367@gmail.com).

۲. استاد دانشگاه قرآن و حدیث (Pasandide@qhu.ac.ir).

۳. استاد دانشگاه قرآن و حدیث (mahdigh53@gmail.com).

۱. بیان مسئله

یکی از موضوعات مهمی که برایمان، باور، افکار و در نتیجه بر اخلاق و رفتار تأثیر می‌گذارد و می‌تواند آن‌ها را در معرض تغییر قرار دهد، موضوع «فشارها» است. فشار زمانی ایجاد می‌شود که افراد جامعه برای رسیدن به اهداف خود اقداماتی انجام دهند، اما ابزار و وسایل لازم را برای نیل به اهداف نیابند یا با موانعی روبه‌رو شوند.^۱ منابع فشار انواع مختلفی دارند که یکی از اصلی‌ترین آن‌ها فشار اجتماعی^۲ است. فشار اجتماعی به این معناست که دیگران در تلاش‌اند تا به انحای مختلف ما را وادار سازند به دلخواه آن‌ها فکر کنیم، احساس کنیم و رفتار نماییم.^۳ بنابراین، فشار اجتماعی می‌تواند فرد را وادار به رفتار غیراخلاقی کند. این‌رو، به عنوان منشأ انحرافات اخلاقی مورد توجه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته و نظریات متعددی درباره آن مطرح شده است.

به عنوان نمونه، رابرت مرتون،^۴ از دانشمندان حوزه جامعه‌شناسی، نظریه فشار اجتماعی را عرضه کرده و معتقد است این فشارها و تنش‌های زندگی اجتماعی، افراد را به سمت بزهکاری و انحرافات سوق می‌دهد. وی تلاش داشته است نشان دهد چگونه یک ساختار اجتماعی خاص بر اشخاص فشارهای ویژه‌ای وارد می‌کند و مانع می‌شود برخی اعضا از قواعد جامعه پیروی کنند.^۵ پس از او، آلبرت کوهن^۶ نظریه «خرده فرهنگ مجرمانه» را ارائه کرد و ناکامی در رسیدن به جایگاه والا در جامعه را عامل فشار دانست.^۷ نظریه کلووارد و اوهلین نیز به فراوانی فرصت‌های نابرابر و فرصت‌های مجرمانه بر اثر فشارهای اجتماعی اشاره می‌کند.^۸ صاحبان این نظریه، دو استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیکاگو، «ریشارد کلووارد» و «لوید اوهلین» هستند.

در رویکرد روان‌شناختی، روان‌شناسان متعددی از زاویه‌ای دیگر به موضوع پرداخته و در

۱. اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ص ۴۸.

2. Social Pressure

۳. روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۳۶۴.

4. R. Merton

۵. تحلیل و ارزیابی نظریه فشار بر اساس آموزه‌های اسلامی، ص ۳۲.

6. A. Kohe

۷. جامعه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی، ص ۴۴.

۸. جامعه‌شناسی جنایی، ص ۲۱۷.

زمینه تأثیر گروه‌های مرجع بر شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای فرد نظریه‌پردازی کرده‌اند. لئون فستینگر^۱ مهم‌ترین نظریه‌پردازی است که در حوزه روان‌شناسی به این موضوع پرداخته و معتقد است فشار برای هم‌شکلی در گروه، به تغییر ایده‌ها و عملکردهای اعضا منجر می‌شود.^۲

فشارهای اجتماعی دارای جنبه‌های مثبت و منفی هستند که نوع نخست، یعنی فشارهای منفی، موضوع بحث این مقاله است. فشارهای منفی و ناسالم شامل فشارهایی است که با مبانی و هنجارهای اجتماعی سازگاری ندارند و تغییرات ناسالمی را در باور، افکار و رفتار فرد ایجاد می‌کنند.

مسئله اصلی در رویکرد روان‌شناختی، نوع تأثیر این فشارهای اجتماعی است که به سه شکل آشکار می‌شود و بر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی اثر می‌گذارد:

۱. هم‌نوايي (هم‌رنگی): تغییر در رفتارها یا باورهای فرد در نتیجه فشار غیرمستقیم افراد گروه یا جامعه.

۲. متابعت (اجابت): تغییری که در رفتار فرد به وسیله درخواست مستقیم دیگران ایجاد می‌شود.

۳. اطاعت از مراجع قدرت: نوعی نفوذ اجتماعی که در آن فرد از دستورهای دیگران پیروی می‌کند.^۳

گاهی این مراحل طی نمی‌شود و فرد به جای هم‌رنگی، متابعت و اطاعت، به مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی ناسالم می‌پردازد.

مسلم است که فرهنگ اسلامی، با تأکید فراوان بر تعقل و تفکر، هرگونه هم‌نوايي و متابعت کورکورانه در برابر فشارهای اجتماعی ناسالم را نمی‌پذیرد و بر پایداری در دینداری و مقاومت در برابر فشارها تأکید دارد. این مسئله در آیات و روایات متعددی ذکر شده است.^۴ به عنوان نمونه، در موثقه‌ای از امام باقر (ع) آن حضرت، مؤمن را سخت‌تر از کوه

1. L. Festinger

۲. روان‌شناسی اجتماعی، ص ۱۵۰.

۳. روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۳۶۴-۳۷۶.

۴. به عنوان نمونه: آیه ۱۰۰ سوره مائده: «قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» و آیه ۵۴ سوره مائده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ».

معرفی کرده و می‌فرمایند:

المؤمنُ أضلُّبُ مِنَ الْجَبَلِ، الْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ، وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ؛^۱
مؤمن از کوه سخت‌تر است؛ از کوه کاسته می‌شود، اما از دین مؤمن چیزی
کاسته نمی‌گردد.

در این پژوهش تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی این دسته از روایات، نقش آن‌ها در
الگوی مقاومت در برابر فشارهای ناسالم مشخص شود. پرسش‌هایی که در اینجا مطرح
می‌گردد عبارت‌اند از: نخست، انواع نقل‌های این حدیث چیست؟ دوم، اعتبار هریک از
این نقل‌ها از حیث سند و منبع تا چه اندازه است؟ سوم، مفهوم این روایات چیست؟ و
مهم‌تر از همه، چه ایده علمی برای الگوپردازی یا نظریه‌پردازی می‌توان از این روایات
استخراج کرد؟

۱-۱. پیشینه

موضوع فشار اجتماعی، هم‌رنگی، تغییر نگرش و مقاومت در کتاب‌های متعدد
جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. در اکثر این آثار، موضوعات
هماهنگی با اکثریت، هم‌رنگی و شبیه شدن به جماعت شرح داده شده و به مقاومت
در برابر تلاش‌های متقاعدسازی، به عنوان نوعی واکنش در برابر فشارها، پرداخته
شده است.^۲ در برخی آثار داخلی نیز، مؤلفان از منظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به این
موضوع توجه کرده‌اند.^۳

همچنین، بحث مقاومت در برابر تغییر و هم‌رنگی در پایان‌نامه‌ها و مقالات نیز مورد توجه
قرار گرفته است. در برخی پایان‌نامه‌های دانشجویی، عوامل شخصیتی مقاومت رفتاری در

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ ابْنِ فَضَالٍ، عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ، عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) (الكافي،
ج ۳، ص ۶۱۲). این روایت از روایت‌های معتبر کتاب الکافی است که تمام راویان آن ثقة و معتقد هستند، ولی از آنجا
که تمام راویان امامی مذهب هستند و تنها ابن بُکیر - عبد الله بن بُکیر بن اعین - فردی ثقة و از صحاب اجماع است
ولکن فطحی مذهب است، سند این روایت «موثق» است.

۲. به عنوان نمونه می‌توان به این آثار اشاره نمود: روان‌شناسی اجتماعی، نوشته آرونسون ویلسون، ترجمه حسین شکرکن؛
روان‌شناسی اجتماعی، نوشته رابرت، بارون ترجمه یوسف کریمی؛ روان‌شناسی اجتماعی، نوشته ژان استوتزل ترجمه
علی محمد کاردان و زمینه روان‌شناسی، اثر هیلگارد که یکی از پرطرفدارترین کتاب‌های روان‌شناسی است.

۳. جامعه‌شناسی آسیب‌های اجتماعی، اثر صدیق سروستانی و روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، اثر مسعود
آذربایجانی و دیگران از این نوع هستند.

برابر تغییرشناسایی و بررسی شده است؛^۱ برخی دیگر به مطالعه پدیدارشناختی موضوع پرداخته و رابطه دینداری با مقاومت را در گروهی خاص مورد بررسی قرار داده‌اند.^۲

برخی پژوهشگران نیز در مقالات خود به این موضوع توجه کرده و تلاش کرده‌اند تا در پاسخ به نیازمندی‌های اجتماعی و مقابله با تفکر غرب، معنای مقاومت را از دیدگاه اسلام بررسی کنند.^۳ همچنین، سعی داشته‌اند الگوی مقاومتی قوم بنی‌اسرائیل را تبیین و تحلیل نمایند تا بتوان از این بسترالگویی اسلامی استخراج کرد؛ هرچند این پژوهش‌ها اندک بوده و تنها بر مؤلفه صبر متمرکز شده‌اند.^۴

اما چنان‌که اشاره شد، در منابع دینی، آیات و روایات متعددی در زمینه مقاومت اخلاقی دیده می‌شود و می‌توان مؤلفه‌های بیشتری را از این گنجینه‌های بی‌نظیر استخراج کرد. یکی از این روایات مشهور، روایت «المؤمن اصلب من الجبل» است که پیش‌تر خانم فاطمه عبدلی در مقاله‌ای به بررسی و تبیین عوامل صلابت مؤمن بر مبنای این روایت پرداخته و در نهایت، قدرت صلابت را عامل حفظ دین و نگه داشتن ایمان فرد معرفی کرده است.

از آنجا که برای رسیدن به الگوی اخلاقی مقاومت و تاب‌آوری در برابر فشارهای اجتماعی ناسالم، نیاز به تحلیل و بررسی فقه‌الحدیثی عمومی و پیشرفته این نوع روایات است تا ضمن دستیابی به قانون پایه در این زمینه، مؤلفه‌های مؤثر در طراحی الگوی نهایی مشخص شود، ضرورت مقاله پیش‌رو نمایان می‌گردد.

پژوهش حاضر، با رویکردی متفاوت و تمرکز بر نفوذناپذیری مؤمن که از روایت استنباط شده است، این موضوع را در علوم جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز بررسی می‌کند و نهایتاً برخی روایات به ظاهر مخالف را نیز مورد مطالعه قرار می‌دهد. در نتیجه، تکلیف فرد در موقعیت تهدید ایمان و موقعیت بلا و سختی از یکدیگر تفکیک و متمایز می‌شود.

۱-۲. روش و مراحل

در این مقاله، برای دستیابی به مقصود معصوم عليه السلام، از دوروش بهره‌گیری شده است: روش نخست: فقه‌الحدیث عمومی که به منظور فهم عمومی حدیث انجام می‌شود. در

۱. «شناسایی عوامل شخصیتی مقاومت رفتاری در برابر تغییر»، سجاد تمدن.

۲. به عنوان نمونه: «بررسی رابطه بین باورهای مذهبی با تاب‌آوری و امید به زندگی در زنان سرپرست»، فاطمه ابراهیم نیا.

۳. به عنوان مثال: «بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن»، اصغر زاهدی تیر.

۴. «بررسی الگوی مقاومت بنی‌اسرائیل در فرآیند نهادینه‌سازی گفتمان صبر در جامعه اسلامی»، محمدتقی احمدی پور.

این روش، فهم آموزه‌ها و معنا و مقصود آشکار معصوم علیه السلام مدنظر بوده و به این منظور از سه کتاب در زمینه فهم عمومی حدیث بهره‌گیری شده است:

- روش فهم حدیث اثر عبدالهادی مسعودی،
- روش فهم عمومی متون دینی اثر عباس پسندیده،
- منطق فهم حدیث اثر سید کاظم طباطبایی.

روش دوم: فقه‌الحديث پیشرفته که به منظور فهم پیشرفته حدیث انجام می‌شود. در این روش، حرکت از آموزه‌ها برای رسیدن به گزاره‌ها و فهم قوانین و سنن پایه حدیث انجام شده و براساس مقاله آقای عباس پسندیده پیاده‌سازی شده است.^۱

مراحل پژوهش شامل دو بخش بوده است. در مرحله نخست، با روش فقه‌الحديث عمومی، گردآوری خانواده حدیث، اعتبارسنجی نقل‌ها، بررسی محتوای متون و شباهت‌ها و تفاوت‌ها، و نیز تحلیل متن از طریق فهم مفردات، فهم ترکیبات و گردآوری و تحلیل قرینه‌ها انجام شد.

در مرحله دوم، با روش فقه‌الحديث پیشرفته، ساختارشناسی محتوایی حدیث، مسئله‌شناسی حدیث، مؤلفه‌شناسی، مبناشناسی مؤلفه‌ها و در نهایت کشف قانون پایه، به ترتیب انجام شد.

شایان ذکر است که فقه‌الحديث پیشرفته بر یافته‌های مرحله اول، یعنی فقه‌الحديث عمومی، استوار بوده و فرآیند حدیث‌پژوهی را به کشف حقایق نهانی و در نهایت تولید گزاره‌های علمی می‌رساند.

۲. یافته‌ها

چنان‌که ذکر شد، یافته‌های پژوهش در دو مرحله به دست آمده‌اند که در ادامه به ترتیب، ابتدا به مراحل فقه‌الحديث عمومی و سپس فقه‌الحديث پیشرفته پرداخته خواهد شد:

۲-۱. بررسی فقه‌الحديث عمومی

در این مرحله سعی شده است تا با بررسی مرحله‌ای، فهم عمومی روایات حاصل شود:

۱. «نسل دوم حدیث‌پژوهی؛ معنا، مبنا و روش»، عباس پسندیده.

۱-۱-۲. خانواده حدیث

پیش از هر چیز، گردآوری نقل‌های مختلف یا خانواده حدیث لازم و ضروری است. مجموعه روایات نقل شده با سه نقل کلی «اصلب»، «اعز» و «اشد» نام‌گذاری شده و در ادامه به بررسی هریک از آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۱-۲-۱. نقل‌های «اصلب»

در برخی منابع، برای بیان سختی و استحکام مؤمنین، واژه «اصلب» به کار رفته و در سه تعبیر کلی قابل گزارش است. مرحوم کلینی در جلد سوم کتاب «الکافی»، در باب مؤمن و صفات و علائم او نقل کرده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنِ ابْنِ فَضَالٍ، عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ، عَنْ زُرَّازَه، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: «الْمُؤْمِنُ أَضْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ، الْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ، وَالْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ».^۱

بحار الانوار روایت را به نقل از الکافی آورده و در آن، واژه «تستقل» به جای «يستقل» (فقط در موضع اول) جایگزین شده است:^۲

الوافی نیز همین روایت را به نقل از الکافی آورده و در آن، واژه «يستقل» به جای «يستقل» در دو موضع ذکر شده است.^۳

کتاب «الأصول الستة عشر» از زید زَرَّاد نقل می‌کند که امام صادق عليه السلام به بیان صفات مؤمنین پرداخته و از جمله مؤمنان را سخت‌تراز کوه دانسته‌اند، به گونه‌ای که کمترین چیزی از آنان کنده نمی‌شود:

صَلَبٌ صَلَابٌ أَضْلَبُ مِنَ الْجَبَالِ، لَا يُنْحَتُ مِنْهُمْ شَيْءٌ...^۴

بحار الانوار همین روایت را از الأصول الستة عشر نقل کرده، با این تفاوت که واژه «صَلَبٌ» جایگزین «صُلْبٌ» شده است.^۵

۱. الکافی، ج ۳، ص ۶۱۲.

۲. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۶۲.

۳. الوافی، ج ۵، ص ۸۲۰.

۴. الأصول الستة عشر، ص ۱۲۹.

۵. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۳۵۲.

۲-۱-۱-۲. نقل های «اعز»

مرحوم کلینی چنین نقل کرده است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيَّانٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَحْمَسِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ... الْمُؤْمِنُ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ، إِنَّ الْجَبَلَ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ.^۱

مشكاة الانوار روایت را به نقل از ابی عبد الله عليه السلام به نقل از آباء طاهرینش آورده است.^۲ تهذیب الاحکام همین روایت را با تفاوت اندکی در راوی نقل کرده است (مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ، وَبِهِ جَاءَ «إِنَّ الْجَبَلَ»، عِبَارَتِ «لَإِنَّ الْجَبَلَ» وَبِهِ جَاءَ «شَيْءٌ»، «بِشَيْءٍ» آورده است.^۳

تنبيه الخواطر نیز با جایگزینی «يستقل» به جای «يستقل» در هر دو موضع و با بیان «دِينُهُ بِشَيْءٍ» روایت را نقل کرده است.^۴

حویزی در تفسیر نورالثقلین نیز روایت را با تفاوت اندکی چنین نقل کرده است:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ، الْجَبَلَ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ.^۵

۲-۱-۱-۳. نقل های «اشد»

در برخی منابع، سختی و محکم بودن مؤمن با واژه «اشد» بیان شده است که با تعابیر متفاوتی همراه گردیده است:

۲-۱-۱-۴. اشد من الجبال

این تعبیر در برخی منابع قابل مشاهده است. به عنوان نمونه، در تفسیر العیاشی، در تفسیر آیه ۶۵ سوره اسراء، روایتی از امام صادق عليه السلام نقل شده است:

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «... الْمُؤْمِنُ أَشَدُّ مِنَ الْجَبَلِ، وَالْجَبَلَ تُدْنَوِيهِ بِالْفَأْسِ فَتَنْحَتُ مِنْهُ،

۱. الکافی، ج ۹، ص ۵۰۳.

۲. مشكاة الانوار فی غرر الأخبار، ص ۴۷.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۶ ص ۱۷۶.

۴. تنبيه الخواطر، ص ۱۲۵.

۵. الوافی، ج ۵، ص ۷۴۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۳۶.

و المؤمن لا يستقل عن دينه»^۱.

مجلسی در بحار الأنوار روایت «المؤمن أشد من الجبل» را در دو جلد متفاوت نقل کرده است: جلد ۶۰: روایت بدون تغییر و مطابق نسخه اصلی نقل شده است.^۲

جلد ۳۷: روایت با تفاوت‌های اندک در واژگان نقل شده است:

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): ... الْمُؤْمِنُ أَشَدُّ مِنَ الْجَبَلِ، وَالْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْفَأْسِ فَيُنْتَحَتُ مِنْهُ، وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ عَلَى دِينِهِ.^۳

علل الشرائع از جمله منابعی است که تعبیر «أشد في دينه من الجبال الرأسية» را ارائه کرده است:

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْجَمِيرِيُّ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدْقَةَ الرَّيْعِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ (عليه السلام) قَالَ: «الْمُؤْمِنُ أَشَدُّ فِي دِينِهِ مِنَ الْجِبَالِ الرَّاسِيَةِ، وَذَلِكَ أَنَّ الْجَبَلَ قَدْ يُنْحَتُ مِنْهُ وَالْمُؤْمِنُ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ عَلَى أَنْ يُنْحَتَ مِنْ دِينِهِ شَيْئًا، وَذَلِكَ لِصَلَةِ يَدَيْهِ بِدِينِهِ وَشُجِّهِ عَلَيْهِ».^۴

۵-۱-۱-۲. أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ

کتاب المحاسن در باب «یقین و صبر علی الشدائد فی الدین» این گونه روایت کرده است:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): «إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ، إِنَّ الْحَدِيدَ إِذَا دَخَلَ النَّارَ لَانَ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ قُتِلَ وَنُشِرَتْ قَتْلُ وَنُشِرَتْ لَمْ يَتَغَيَّرْ قَلْبُهُ».^۵

صفات الشيعة با تفاوتی در تعبیر روایت چنین نقل کرده است:

عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ، عَنْ خَضِرِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): «إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ، إِنَّ الْحَدِيدَ إِذَا دَخَلَ النَّارَ تَغَيَّرَ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ قُتِلَ ثُمَّ نُشِرَتْ قَتْلُ لَمْ يَتَغَيَّرْ قَلْبُهُ».^۶

گروهی دیگر از روایات، این تعبیر را در بیان صفات مؤمنین در زمان ظهور نقل کرده‌اند، اما

۱. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۰۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۵۷.

۳. همان، ج ۳۷، ص ۱۶۵.

۴. علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۵۸.

۵. المحاسن، ج ۱، ص ۲۴۶.

۶. صفات الشيعة، ص ۳۲، ح ۴۷.

به دلیل مرتبط نبودن با بحث حاضر، از ذکر آن‌ها خودداری شده است.^۱

۲-۲. اعتبارسنجی

کنار هم قرار دادن نقل‌های مختلف هرگز به این معنا نیست که همه این متون از ارزش یکسان برخوردارند. لازم است اعتبار احادیث گردآوری شده به دقت بررسی شود. اعتبارسنجی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا براساس رتبه‌بندی منابع، میزان اعتماد به روایات مختلف متفاوت خواهد بود. با توجه به این‌که منابع و اسناد حدیثی از اعتبار یکسان برخوردار نیستند، پس از مرحله اعتبارسنجی، میزان اعتماد به هر روایت مشخص شده و دستیابی به معارف مطمئن و مورد اعتماد در پژوهش امکان‌پذیر خواهد بود. این مرحله کمک می‌کند تا متون مختلف جایگاه واقعی خود را در پژوهش بیابند.

مرحله بررسی اعتبار منابع براساس سند «اعتبار منابع دارالحدیث»^۲ انجام می‌شود. ارزش‌گذاری در این سند شامل دو رکن اساسی یعنی «درجه» و «رتبه» است. منابع حدیثی در سه رتبه الف، ب و ج قرار دارند و هر رتبه خود از یک تا نه درجه‌بندی شده است. روایاتی که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند، اعتبار سند و منبع آن‌ها به شرح زیر است:

جدول اعتبار سنجی / گروه اول

نقل‌ها	حدیث	منبع	اعتبار سندی	اعتبار منبع
نقل‌های اصلب	الْمُؤْمِنُ أَضْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ	الکافی	موثق	الف / ۱
		اعلام الدین فی صفات المؤمنین ^۳	مرسل (نقل از الکافی)	ج / ۴
	ضَلَبٌ صَلَافٌ أَضْلَبُ مِنَ الْجِبَالِ	الأصول الستة ^۴	ضعیف	الف / ۲

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۶ و ۶۴۹؛ الغیبه، ص ۳۱۰.

۲. منطق فهم حدیث، ص ۲۷۷.

۳. این روایت مرسل (فاقد سند) و منفرد بوده و از لحاظ سندی ضعیف محسوب می‌شود، اما از نظر محتوایی و متنی مشابهت قابل توجهی با روایت‌های دیگر دارد.

۴. روایت در کتاب «الأصول الستة عشر» آمده است. این کتاب شانزده اصل اولیه دارد، اما با توجه به این‌که اصل کتاب به صورت وجاده‌ای منتشر شده و از سوی دیگر در میان قدما، کتاب زید زکاد مورد تضعیف قرار گرفته، مقداری محل ابهام است. در هر صورت، سند روایت به دلیل نسخه موجود ضعیف بوده و روایت نیز منشرد است. با این حال، از لحاظ اعتباری، بزرگان حدیثی مانند ابن ابی عمیر و شیخ صدوق از این کتاب نقل کرده‌اند.

با توجه به جدول فوق، می‌توان نتیجه گرفت که در نقل‌های اصلب، نقل «المؤمنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ» از نظر سند و منبع در سطح بالایی از اعتبار قرار دارد.

جدول اعتبار سنجی / گروه دوم

نقل‌ها	حدیث	منبع	اعتبار سندی	اعتبار منبع
نقل‌های اعز	إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ	الکافی	صحیح وسند متصل	الف/ ۱
		تهذیب الاحکام	متصل طوسی و صحیح	الف/ ۲
		مشکاة الانوار	بدون سند	ب/ ۸
		تنبيه الخواطر	بدون سند	ج/ ۲

در مجموع، در میان نقل‌های «اعز» تنها روایت «إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ» در منابع متعدد ذکر شده است. بررسی منابع روایی نشان می‌دهد که این نقل از اعتبار بالایی برخوردار است. همچنین، تحلیل اعتبار سندی نیز مؤید صحت و اعتبار بالای این روایت است.

جدول اعتبار سنجی / گروه سوم

نقل‌ها	حدیث	منبع	اعتبار سندی	اعتبار منبع
نقل‌های اشد	المؤمن أشد من الجبل	تفسير العياشي	مرسل (ضعیف) ^۱	ب/ ۳
		علل الشرايع	موثق ^۲	الف/ ۸
	أَشَدُّ فِي دِينِهِ مِنَ الْجِبَالِ الرَّاسِيَةِ الْمُؤْمِنِ أَشَدُّ مِنْ زُبُرِ الْحَدِيدِ	المحاسن	ضعیف ^۳	ب/ ۳
		صفات الشيعة	ضعیف ^۴	الف/ ۸

بر اساس یافته‌های ذکر شده در جدول، دو نقل «أَشَدُّ فِي دِينِهِ مِنَ الْجِبَالِ الرَّاسِيَةِ» از نظر

۱. حدیث نخستین بار در کتاب عیاشی آمده که این کتاب فاقد سند و مرسل است. از این رو، اسنادش ضعیف است: عن جعفر بن محمد الخزازي، عن أبيه قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام.

۲. مسعدة بن صدقة عامی مذهب است و اگرچه توثیق صریحی از او نرسیده است، اما عباراتی در کتاب کشی نشان‌دهنده محبت وی نسبت به اهل بیت است. از سوی دیگر، شاگرد او، هارون بن مسلم بن سعدان - که تقریباً تمام روایات وی را نقل کرده است - شخصیتی وجیه و بزرگ دارد. کثرت نقل وی در الزامات، فقه و سایر آثار می‌تواند دلالت بر وثاقت مسعدة کند. بنابراین، این روایت به جهت حضور مسعدة، قابل اعتماد و موثق دانسته می‌شود.

۳. ابواسماعیل سراج شخصیت شناخته شده‌ای نیست. هرچند سند روایت متصل است، اما به دلیل اعتبار نامشخص وی و خضر بن عمرو، روایت از جهت سندی ضعیف محسوب می‌شود.

۴. الحصبین بن عمرو دارد که ناشناخته است و لذا ضعیف است.

اعتبار منبع و سند در رتبه بالاتری نسبت به نقل‌های دیگر قرار دارد.

۲-۳. بررسی متن

پس از بررسی نقل‌های مختلف و سنجش اعتبار سند و منبع، لازم است ساختار متون مورد بررسی قرار گیرد تا مراد و مقصود اصلی معصوم از روایت روشن شود. در این چارچوب، باید پیش از بررسی جزئیات نقل‌ها، ساختار کلی حاکم بر آن‌ها مشخص شود و سپس با تحلیل و بررسی نهایی، به کشف اصول و قوانین برسیم. در بررسی ساختار، روایاتی که بخش‌های نزدیک به هم دارند در جدول‌های مشترک قرار گرفته و با یکدیگر مقایسه می‌شوند. در ادامه نقل‌ها را بر این اساس بررسی می‌کنیم:

۲-۳-۱. ساختار حدیث

در تقسیم‌بندی اولیه، نقل‌ها را به سه گروه «اصلب»، «اعز» و «اشد» دسته‌بندی کردیم. با این حال، با دقت در متن روایات، می‌توان دریافت که برخی نقل‌ها بخش‌های مشترک دیگری نیز دارند که امکان قرار دادن آن‌ها کنار هم و مقایسه‌شان وجود دارد. به عنوان نمونه، روایتی که در دسته «اصلب» قرار دارد، با روایتی دیگر از گروه‌های «اعز» و «اشد» بخش‌های بعدی مشترک دارد. این روایات باید در کنار هم در جدول‌هایی گردآوری و مقایسه شوند تا مشخص شود که با گزارش‌های متعدد مواجه هستیم یا با یک روایت واحد. به همین منظور، روایات دارای بخش‌های مشترک در جدول‌های جداگانه جایگذاری شده‌اند که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

جدول مقایسه متون روایات / گروه اول

منبع	بخش‌های مختلف متن		
الکافی	--	الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ	وَالْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ ----
بحار الانوار	--	الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ	وَالْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ ----
الوافی	--	الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ يَسْتَقَلُّ مِنْهُ	وَالْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ ----
الکافی و وسائل الشیعه	--	إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَغْزَمَ الْجَبَلِ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ	وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ ----
تنبيه الخواطر	--	إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَغْزَمَ الْجَبَلِ يُسْتَقَلُّ بِالْمَعَاوِلِ	وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ دِينُهُ بِشَيْءٍ ----

منبع	بخش‌های مختلف متن			
بحار الانوار	--	المؤمن أشد من الجبل	وَالْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْفَأْسِ فَيُنْحَتُ مِنْهُ	وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ عَلَى دِينِهِ
تفسیر العیاشی	--	المؤمن أشد من الجبل	وَالْجَبَلُ تَدْنُو إِلَيْهِ بِالْفَأْسِ فَتَنْحَتُ مِنْهُ	وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ عَنْ دِينِهِ
اعلام الدین فی صفات المؤمنین	--	-----	ثَانِي الْجَبَلُ تَنْحَتُ مِنْهُ	وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْهُ شَيْءٌ
الأصول الستة	صَلَبٌ صَلَابٌ	أَصْلَبُ مِنَ الْجِبَالِ	-----	لَا يُنْحَتُ مِنْهُمْ شَيْءٌ
علل الشرايع	----	المؤمن أشد في دينه من الجبال الراسية	وَذَلِكَ أَنَّ الْجَبَلَ قَدْ يُنْحَتُ مِنْهُ	وَالْمُؤْمِنُ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ عَلَى أَنْ يُنْحَتَ مِنْ دِينِهِ شَيْئاً بِدِينِهِ وَشُجْوِهِ عَلَيْهِ

نقل‌های مذکور، با متن تقریباً مشترک در میانه روایت، دارای بخش‌های نخستین و پایانی متفاوت هستند.

بخش نخست: تنها روایت منقول از اصول سته با عبارت «صلب صلاب» آغاز شده است، که این بخش در سایر نقل‌ها وجود ندارد.

بخش دوم: در این قسمت، روایات از نظر متن تقریباً مشترک هستند و تنها در واژه‌های «اصلب»، «اعز» و «اشد» با یکدیگر تفاوت دارند:

«المؤمن اصلب من الجبل»

«المؤمن اعز من الجبل»

«المؤمن اشد من الجبل»

در این میان، علل الشرايع با اختلاف بیشتری ارائه شده، اما بسیار نزدیک به نقل‌های «اشد» است: «المؤمن أشد في دينه من الجبال الراسية». اعلام الدین فی صفات المؤمنین، بخش دوم را ندارد.

بخش سوم: همه روایات، خاصیت و ویژگی‌ای از «جبل» را بیان می‌کنند که با دو تعبیر «یستقل» و «تنحت» آمده است:

- «الْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ»

- «الْجَبَلُ تَنْحَتُ مِنْهُ»

در این میان، بحار الانوار در نقل «اشد» هر دو تعبیر را جمع کرده است: «وَالْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ

مِنْهُ بِالْفَأْسِ فَيُنْحَتُ مِنْهُ» و تفسیر العیاشی نیز تعبیر «تدنوإلیه» و «تنحت» را کنار هم آورده است. اصول سته فاقد این بخش است، بنابراین، جمع بین «یستقل» و «تنحت» می تواند معتبر باشد.

بخش چهارم: روایات برویژگی مؤمن که چیزی از دینش کاسته نمی شود، تأکید دارند. به جز الاصول الستة عشر و علل الشرایع که تعبیر «ینحت» را آورده اند، سایر منابع «یستقل» را ذکر کرده اند. لازم به ذکر است که بحار الانوار و تنبیه الخواطر، اگرچه نقل را از الکافی آورده اند، اما «یستقل» را جایگزین «یستقل» کرده اند.

بخش پنجم: فقط در نقل علل الشرایع آمده و به استدلال بخش چهارم پرداخته است: «وَ ذَلِکَ لِضَبِّهِ بِدِینِهِ وَ شُحِّهِ عَلَیْهِ»، که در سایر منابع دیده نمی شود.

در بررسی ساختار سایر روایات، بخش مشترکی که می توان براساس آن جدول مقایسه را تشکیل داد، عبارت «أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ» است:

المحاسن	إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ	إِنَّ الْحَدِيدَ إِذَا دَخَلَ النَّارَ لَانَ	وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ قُتِلَ وَ نُشِرَتْ قَتْلُ وَ نُشِرَتْ قَلْبُهُ
صفات الشیعه	إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ	إِنَّ الْحَدِيدَ إِذَا أُدْخِلَ النَّارَ تَغَيَّرَ	وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ قُتِلَ ثُمَّ نُشِرَتْ قَتْلُ لَمْ يَتَغَيَّرْ قَلْبُهُ

جدول مقایسه متون روایات / گروه سوم

این دو نقل در بخش اول کاملاً مشابه هم هستند. در بخش دوم تنها در دو واژه «لَانَ» و «غَيَّرَ» با یکدیگر تفاوت دارند. در بخش سوم، در کتاب المحاسن، واژه «نُشِرَ» در موضع دوم ذکر شده، اما در صفات الشیعه دیده نمی شود که به احتمال زیاد سقط^۱ رخ داده است.

۲-۳-۲. عبارات احادیث

پس از بررسی ساختار احادیث، لازم است کلمات به کار رفته در آن ها نیز مورد توجه قرار گیرد تا مشخص شود بین عبارات یا واژه های استفاده شده، چه تفاوت هایی وجود دارد. تفاوت اصلی در تعبیرهای مختلف روایات مربوط به سه واژه «اصلب»، «اعز» و «اشد» است.

۱. رک: آسیب شناسی حدیث، ص ۸۹ به بعد.

اصلب: از ریشه «صلب» (بروزن قفل) گرفته شده و به معنای شدید و محکم و جایگاه سفت و سخت که از سنگ باشد، آمده است.^۱ به اعتبار صلابت و شدت، ظهر «صُلْباً» نامیده شده است.^۲ صلابت در برابر نرمی است.^۳

«اعز»: از ریشه عزز است و «عزّت» به معنای توانایی و رفعت است، مقابل ذلّت. گاهی نیز به معنای سخت و دشوار آمده است.^۴

«اشد» از ریشه «شدد» و «شده» به معنای صلابت، سختی و قوت است.^۵ از هرسه واژه «اصلب»، «اعز» و «اشد» می‌توان معنای مشترک سختی و استحکام را دریافت نمود، بنابراین کاربرد آن‌ها در روایات با مفهوم متفاوتی مواجه نیست.

بر اساس جدول اول بررسی ساختار متون (مجموعه روایات «اصلب»، «اشد» و «اعز») در واژه‌هایی مانند يُسْتَقِلُّ، تُسْتَقَلُّ، يُسْتَقَلُّ، يُنْحَتُّ، تُنْحَتُّ و تدنواختلافاتی مشاهده می‌شود. يُسْتَقَلُّ و تُسْتَقَلُّ از «قلل» اخذ شده و مقابل «کثیر» است، چه در امور مادی و معنوی، چه در عدد یا کیفیت، زمان یا مکان.

استَقَلَّ الشيء: به معنای آن است که چیزی را کم و اندک دیده شود.^۶ يُسْتَقَلُّ از ریشه «سفل» به معنای پائین و نقطه مقابل علو (یعنی بالا، رفعت یا بلندی)^۷ است. فعل‌های تَسَقَّلَ و تَسَفَّلَا به معنای پائین آمدن و فرود آمدن به کار رفته‌اند.

يُنْحَتُّ و تُنْحَتُّ از ریشه «نحت» گرفته شده و به معنای بریدن، تراش دادن و حکاکی بر روی چوب، سنگ و سایر اشیاء سخت و محکم است.^۸

تَدَوَّلِيَه از ریشه دَوَّأ به معنای دون و حقیر است^۹ و می‌توان آن را به معنی کم شدن تفسیر کرد. بنابراین، هریک از این واژه‌ها که در روایت به صورت فعل نفی به کار رفته‌اند، همگی دلالت بر کم نشدن، کاسته نشدن و کاهش نیافتن دین مؤمن دارند و از این نظرتفاوت

۱. العین، ج ۷، ص ۱۲۸.

۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۰۱.

۳. لسان العرب، ج ۱، ص ۵۲۷.

۴. همان، ج ۵، ص ۳۷۴.

۵. همان، ج ۳، ص ۲۳۲.

۶. همان، ج ۱۱، ص ۵۶۳.

۷. المفردات، ج ۲، ص ۲۲۵.

۸. همان، ج ۵، ص ۲۹۴.

۹. لسان العرب، ج ۱، ص ۷۸.

معنایی ندارند.

در روایت چهارم، پنجم و ششم در جدول اول بررسی ساختار، واژه «معاول» که جمع المَعُول است، به کار رفته است.

مَعُول از ریشه عول گرفته شده و به معنای ابزاری از آهن است که برای شکستن یا کندن کوه استفاده می‌شود.^۱

آخرین روایت در جدول اول بررسی ساختار، تعبیری اضافه‌تر نسبت به سایر روایات دارد: «وَذَلِكَ لِيُصَنِّهَ بِدِينِهِ وَشُجَّهَ عَلَيْهِ».

در این عبارت، الصَّنَّ به معنای بخل ورزیدن نسبت به چیزی با ارزش است.^۲ الشَّحَّ به معنای بخل همراه با حرص و دلبستگی نسبت به چیز ارزشمند است.^۳

۳. بررسی فقه‌الحدیثی پیشرفته

بر اساس آنچه در روش و مراحل پژوهش شرح داده شد، این حدیث پژوهی شامل دو مرحله کلی است. تا کنون، مرحله نخست - که همان فقه‌الحدیث عمومی است - پایان یافته و اکنون وارد مرحله دوم یا فقه‌الحدیث پیشرفته می‌شویم.

۳-۱. ساختارشناسی حدیث

در بررسی ساختار متن و فهم عمومی، احادیث از طریق جدول بندی و مقایسه ادبیات و تفاوت‌ها و تشابه‌های الفاظ مورد تحلیل قرار گرفتند. در این بخش هدف، شناخت ساختار محتوایی روایات و شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری آن‌ها است. تأمل در روایات چندگانه گردآوری شده نشان می‌دهد که یک ساختار مشترک بر تمام آن‌ها حاکم است و تفاوت اصلی تنها در واژه‌ها و الفاظ است. تمامی روایات دارای دو بخش اصلی هستند.

بخش نخست با به کارگیری واژه‌های «اصلب»، «اعز» و «اشد» مؤمن را در سختی برتر از «العجل» و «زبر الحدید» معرفی می‌کند. این واژه‌ها همگی حکایت از سختی، استحکام، نفوذناپذیری و شدت دارند. بنابراین، می‌توان گفت که مؤمن از نظر نفوذناپذیری و استحکام، حتی نسبت به چیزهای سخت مانند کوه، پاره‌های آهن یا زمین سخت، برتر است.

۱. القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۳۶۹.

۲. المفردات، ج ۲، ص ۴۶۶.

۳. لسان العرب، ج ۲، ص ۴۹۵.

بخش دوم به تبیین وجه برتر بودن مؤمن در سختی و نفوذناپذیری می‌پردازد و خود شامل دو قسمت است. در قسمت نخست، ویژگی‌های جبل، زبرالحدید و صلد بیان شده است؛ هرچند سخت و محکم هستند، اما در برابر فشارها تغییرپذیرند. این ویژگی با افعالی مانند «يُسْتَقَلُّ»، «يُسْتَقَلُّ»، «يُنْحَثُ» و «تَدْنُو» نشان داده می‌شود، مانند «إِنَّ الْجَبَلَ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ» و «إِنَّ الْحَدِيدَ إِذَا أُدْخِلَ النَّارَ تَغَيَّرَ».

در قسمت دوم همان بخش، بر ثبات و استقامت مؤمن در ایمان و دین تأکید می‌شود. هیچ کسی قادر نیست از ایمان او بکاهد و حتی اگر کشته شود و دوباره زنده گردد، قلب او تغییری نمی‌کند، مانند «وَالْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقِلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ» و «وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ قُتِلَ ثُمَّ نُشِرَ ثُمَّ قُتِلَ لَمْ يَتَغَيَّرْ قَلْبُهُ».

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که کوه و پاره‌های آهن ممکن است بر اثر فشارها تغییر کنند، اما باور، یقین و ارزش‌های مؤمن حقیقی، حتی در شدیدترین شرایط، تغییر نمی‌کنند. به جای بررسی تک‌تک روایات، می‌توان آن‌ها را به عنوان یک محتوای کلی شامل این دو بخش در نظر گرفت: نخست، تشبیه مؤمن به کوه و آهن به عنوان نماد سختی و استقامت و بیان سخت‌تر بودن او و دوم، بیان تغییرپذیری اشیای سخت در برابر فشار و تغییرناپذیری مؤمن حقیقی در ایمان و دینش.

۲-۳. مسئله‌شناسی حدیث

در رویکرد علمی حدیث‌پژوهی، ابتدا نیازمند شناخت مسئله‌ای هستیم که مردم با آن مواجه بوده‌اند و به همین دلیل به معصوم مراجعه کرده‌اند، یا معصوم سخنی را ناظر به آن مسئله بیان کرده است.

در مجموع روایات مذکور، با وضعیت سالم و مطلوبی مواجه هستیم که عبارت است از: «سختی و نفوذناپذیری مؤمن که منجر به پایداری او در دینداری می‌شود». در واقع، مراد از وضعیت مطلوب همان نقطه مثبتی است که ظاهراً در حال حاضر وجود ندارد و به همین دلیل معصوم قصد دارد با استفاده از روش‌هایی، فرد یا جامعه را به آن وضعیت برساند. با در نظر گرفتن وضعیت مطلوب و بررسی متغیرها و اجرای فنون خاص، می‌توان به مسئله اصلی روایات رسید که در بخش مؤلفه‌شناسی به تفصیل توضیح داده می‌شود. براین اساس، منظور از روایات چندگانه، مسئله اصلی «حفظ دین و پایداری بر باورها» است.

۳-۳. مؤلفه‌شناسی حدیث

در رویکرد علمی حدیث‌پژوهی، نیازمند شناخت مسئله و مشکلی هستیم که مردم با آن

مواجهه بوده و به همین سبب به معصوم مراجعه کرده‌اند یا معصوم سخنی را ناظر به آن مسئله بیان کرده است.

در مجموع، روایات مذکور وضعیت سالم و مطلوبی را نشان می‌دهند که عبارت است از: «سختی و نفوذناپذیری مؤمن که سبب پایداری او بردینداری می‌شود». در واقع، مراد از وضعیت مطلوب همان نقطه مثبتی است که ظاهراً در حال حاضر وجود ندارد و به همین دلیل معصوم تلاش دارد با استفاده از روش‌هایی، فرد یا جامعه را به آن وضعیت برساند. با در نظر گرفتن وضعیت مطلوب و بررسی متغیرها و اجرای فنون خاص، می‌توان به مسئله اصلی روایات رسید که در بخش مؤلفه‌شناسی به تفصیل توضیح داده شده است. بر این اساس، در روایات چندگانه منظور، مسئله اصلی «حفظ دین و پایداری بر باورها» است.

مراد از «مؤلفه»، متغیرهایی است که با یکدیگر ترکیب شده و حدیث را معنادار می‌سازند. معمولاً در همه روایات با دو یا چند متغیر مواجه هستیم که بین آن‌ها رابطه‌ای برقرار است.

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، برای شناخت مسئله اصلی به دو وضعیت متقابل یعنی وضعیت مطلوب و نامطلوب نیاز داریم. وضعیت نامطلوب، عبارت است از نقطه منفی و ناشایستی که معصوم سعی در دور نمودن آن و رسیدن به نقطه مقابل دارد. برای شناسایی عامل وضعیت نامطلوب، از روش «معکوس‌سازی» استفاده می‌کنیم. به این منظور، بار دیگر لازم است دو بخش اصلی روایات چندگانه مرور و با بررسی مؤلفه‌های هر بخش، آن‌ها را معکوس کنیم:

بخش اول: محکم و نفوذناپذیری مؤمن، که با معکوس‌سازی به انعطاف و نفوذپذیری مؤمن تبدیل می‌شود. این همان وضعیت نامطلوب است.

بخش دوم: کاسته نشدن از دین یا پایداری مؤمن بردینداری، که با معکوس‌سازی به کاسته شدن یا ناپایداری مؤمن بردینداری تبدیل می‌شود؛ این نیز وضعیت نامطلوب است.

مؤلفه‌های وضعیت مطلوب و نامطلوب در روایات را می‌توان به طور کلی چنین جمع‌بندی کرد:

- وضعیت مطلوب و عامل آن:

مؤلفه اول: سختی و نفوذناپذیری (در بخش اول روایات).

مؤلفه دوم: کاسته نشدن از دین در برابر فشارها (در بخش دوم روایات).

- وضعیت نامطلوب و عامل آن:

مؤلفه اول: انعطاف، نرمی و نفوذپذیری (در بخش اول روایات).

مؤلفه دوم: کاسته شدن از دین در برابر فشارها (در بخش دوم روایات).

۳-۴. میناشناسی مؤلفه‌ها

اصلی‌ترین گام در کشف قانون پایه، رسیدن به ویژگی بنیادین هریک از مؤلفه‌ها و تشخیص آن‌هاست. در واقع، با شناسایی این ویژگی‌ها می‌توان به واقعیت‌هایی که در جهان وجود دارند و روایت بر آن‌ها مبتنی است، دست یافت. از محتوای کلی استخراج شده از روایات، به دو بخش اصلی رسیدیم:

بخش اول: «مؤمن از چیزهای سختی مثل کوه، پاره‌های آهن یا زمین سخت، نفوذناپذیرتر و محکم‌تر است.»

از این بخش می‌توان دریافت که انسان می‌تواند نفوذناپذیر و سخت باشد. همچنین با معکوس‌سازی وضعیت مطلوب، به وضعیت نامطلوب یعنی نفوذپذیری رسیدیم که نشان می‌دهد انسان می‌تواند انعطاف‌پذیر و نرم هم باشد. به عبارت دیگر، انسان دارای ویژگی دوگانه‌ای است که در موضوعات مختلف هم می‌تواند نفوذپذیر باشد و هم نفوذناپذیر. نتیجه نفوذپذیری این است که فرد در برابر فشار اجتماعی ناسالم قادر به مقاومت نبوده و دچار تغییر می‌شود، در حالی که انسان نفوذناپذیر در همان شرایط، محکم و قاطع ایستادگی کرده و از تغییر دور می‌ماند. این ویژگی دوگانه، واقعیتی است که به عنوان قاعده از این بخش کشف و پذیرفته می‌شود.

بخش دوم: «کوه و پاره‌های آهن بر اثر فشارهایی که به آن‌ها وارد می‌شود، دچار کاستی و تغییر می‌شوند؛ اما باور و یقین مؤمن تحت هیچ شرایطی تغییر نمی‌کند.»

همانند بخش قبلی، با معکوس‌سازی وضعیت مطلوب، نتیجه حاصل می‌شود که انسان می‌تواند دچار تغییر و کاستی هم شود. در اینجا نیز هر دو وضعیت برای فرد قابل تصور است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که انسان به طور کلی دارای این ویژگی است که اصول، ارزش‌ها و باورهایش هم می‌توانند پایدار باشند و هم می‌توانند دچار تغییر شوند. به عبارت دیگر، حتی اعتقادات بنیادین افراد نیز در معرض کاستی و تغییر قرار دارند؛ زیرا پایداری و عدم پایداری باورها و ارزش‌ها، هر دو از ویژگی‌های انسانی هستند.

نکته قابل توجه این است که لفظ «دین» در این روایات چندگانه («لا یستقل مِنْ دینِهِ شَیْءٌ») به دین بماهودین دلالت ندارد، بلکه منظور دینداری افراد است. واضح است که

اصل دین، خدا و قرآن حقیقتی ثابت هستند و دچار کمی و کاستی نمی شوند؛ آنچه در معرض تغییر قرار دارد، ویژگی ها و امور انسانی نظیر دینداری و اعتقادات افراد است. این پدیده ها همواره پایدار نبوده و در معرض تغییر و تحول هستند. بنابراین، دینداری به عنوان یک امر انسانی می تواند پایدار باشد یا پایدار نباشد.

جدول میناشناسی مؤلفه ها

اجزای روایت	مؤمن از چیزهای سختی مثل کوه، پاره های آهن یا زمین سخت، نفوذناپذیرتر و محکم تر است	کوه و پاره های آهن بر اثر فشارهایی که به آن ها وارد میشود دچار کاستی و تغییر می شوند، اما باور و یقین مؤمن تحت هیچ شرایطی تغییر نمی کند
مبنا و واقعیت پایه	ویژگی نفوذپذیری یا نفوذناپذیری در اصول و ارزش ها	ویژگی پایدار بودن یا نبودن دینداری

۳-۵. کشف قانون پایه

پس از شناسایی و تشخیص مبنا و واقعیت های پایه، لازم است رابطه و تناسب میان آن ها کشف شود. از مسیر شناسایی این روابط است که می توان به قانون پایه دست یافت.

از ساختار کلی مجموع روایات که شامل دو بخش اساسی بود، دو واقعیت استخراج شد:

۱. ویژگی نفوذپذیری و نفوذناپذیری انسان در برابر اصول و ارزش ها.

۲. ویژگی پایداری یا ناپایداری دینداری انسان.

از بررسی این دو واقعیت می توان نتیجه گرفت که پایداری یا ناپایداری انسان در دینداری، به ویژگی نفوذپذیری و نفوذناپذیری او وابسته است. به بیان دیگر، از منظر انسان شناسی، انسان به گونه ای طراحی شده است که مقاومت یا عدم مقاومت او در برابر فشارهای معارض، تابع ویژگی شخصیتی اش است. در مواجهه با فشارهای معارض، انسان می تواند دو جنبه داشته باشد: نفوذپذیری و نفوذناپذیری، که هر دو کاملاً وابسته به ویژگی های شخصیتی فرد هستند.

اگر فرد از لحاظ شخصیتی نفوذپذیر باشد، در برابر فشارها ناپایدار عمل می کند و در مقابل، اگر شخصیتی نفوذناپذیر داشته باشد، می تواند در برابر فشارها پایدار و مقاوم بماند. نکته ای که در روایات مشهود است، تأکید ویژه و صریح بر واژه «مؤمن» است؛ این نشان می دهد که دو ویژگی نفوذناپذیری و پایداری، نتیجه ایمان فرد هستند. به عبارت دیگر،

ایمان سبب ایجاد ویژگی‌های شخصیتی نفوذناپذیری و پایداری می‌شود.

بنابراین، افزایش مقاومت و نفوذناپذیری، نیازمند تعمیق و تقویت ایمان فرد است، به گونه‌ای که فرد ایمان و دینداری خود را به عنوان عهدی با خداوند ببیند و در صداقت بر این عهد، ماندگار و مستحکم باشد. همان‌گونه که در قرآن، صداقت بر عهد به عنوان عامل پایداری در دینداری معرفی شده است.^۱ فردی که بر عهد دینداری وفادار است، به قطعیت و استحکام در مسیر دینداری دست می‌یابد و شخصیتی نفوذناپذیر پیدا می‌کند. در نتیجه، مقاومت او در برابر فشارهای اجتماعی ناسالم افزایش می‌یابد.

این، قانون پایه‌ای است که از مجموع روایات چندگانه‌ای که مورد بررسی قرار گرفتند، استخراج شد. براساس این قانون، می‌توان لایه‌های سه‌گانه این حدیث را به شکل زیر نشان داد:

جدول لایه‌های سه‌گانه

لایه اول: حقیقت پایه	لایه میانی: حالت مثبت و منفی	لایه نمایان: متن حدیث
پایداری یا ناپایداری انسان بر دینداری، به ویژگی نفوذپذیری و نفوذناپذیری او بستگی دارد	حالت مثبت: نفوذناپذیری در برابر فشارها موجب پایداری دین حالت منفی: نفوذپذیری در برابر فشارها موجب ناپایداری دین	مؤمن از چیزهای سختی مثل کوه، پاره‌های آهن یا زمین سخت، نفوذناپذیرتر و محکم‌تر است؛ چرا که کوه و پاره‌های آهن بر اثر فشارهایی که به آن‌ها وارد می‌شود، دچار کاستی و تغییر می‌شوند؛ اما باور و یقین مؤمن تحت هیچ شرایطی تغییر نمی‌کند

در روایات مورد بررسی که در قالب تشبیه و بیان برتری مؤمن بر سایر عناصر پادار و مقاوم ارائه شده‌اند، دو واقعیت اصلی مشاهده می‌شود: ویژگی نفوذپذیری در برابر فشارها و ناپایداری در دینداری. بررسی این احادیث نشان می‌دهد که پایداری یا ناپایداری در دینداری کاملاً تابع شخصیت نفوذپذیر یا نفوذناپذیر فرد است و این تابعیت براساس خلق و طراحی اولیه انسان‌ها توسط خداوند شکل گرفته است.

به عبارت دیگر، انسان به گونه‌ای طراحی شده است که وقتی در برابر فشارهای معارض، اعم از فشارهای اجتماعی و اقتصادی، قرار می‌گیرد، پایداری یا عدم پایداری او نسبت به دین، باورها و اعتقاداتش، تحت تأثیر نوع واکنش او در برابر فشارها از نظر نفوذپذیری یا

۱. سوره احزاب، آیه ۲۳: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا».

نفوذناپذیری است. اگر فرد شخصیتی منعطف و نفوذپذیر داشته باشد، در برابر فشارها تسلیم شده و ممکن است باورها و اعتقادات خود را از دست بدهد؛ اما اگر فرد شخصیتی نفوذناپذیر داشته باشد، در برابر فشارها مقاوم مانده و دینداری او تغییر نمی‌کند. در لایه دوم، حالت‌های مثبت و منفی، که در واقع همان عوامل و وضعیت مطلوب و نامطلوب هستند، نمایان می‌گردد. نتیجه رابطه پایداری و ناپایداری با ویژگی شخصیتی نفوذپذیری یا نفوذناپذیری، دو نتیجه متفاوت را به نمایش می‌گذارد که در جدول مربوطه بیان شده است.

بنابراین، به دلیل اهمیت این تابعیت و ضرورت پایداری ایمان در افراد، وقتی معصوم علیه السلام با مسئله مقاومت و پایداری در دینداری مواجه می‌شود، با مراجعه به قانون پایه مربوطه درمی‌یابد که پایداری و مقاوم بودن بردین و حفظ آن، متاثر از ویژگی‌های شخصیتی سختی و نفوذناپذیری یا انعطاف و نفوذپذیری افراد است. روایات معصومین این واقعیت را با مقایسه استواری مؤمن در برابر فشارها با استواری کوه‌ها در برابر ضربات سنگین و پاره‌های آهن در آتش بیان کرده و پایداری مؤمن را بیش‌تر و محکم‌تر معرفی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

از مطالب مطرح شده، به این قانون پایه دست یافتیم که: پایداری یا ناپایداری انسان در برابر فشارهای معارض، وابسته به ویژگی شخصیتی اوست. چنانچه فرد از نظر شخصیتی نفوذپذیر، نرم و منعطف باشد، در برابر فشارها ناپایدار خواهد بود و اگر شخصیتی نفوذناپذیر و مقاوم داشته باشد، می‌تواند در برابر فشارها پایدار و استوار باقی بماند.

بر پایه روایات مذکور، برای پایدار ماندن انسان‌ها در برابر فشارهای اجتماعی ناسالم، لازم است بر ویژگی نفوذناپذیری انسانی تأکید شود و آن را تقویت نمود. این موضوع در رویکردهای روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز مورد تأکید است. در روان‌شناسی، این نفوذناپذیری و گرایش به مقاومت به عنوان «انعطاف‌ناپذیری روان‌شناختی»^۱ شناخته می‌شود و نشان‌دهنده سرسختی و عدم تمایل نسبت به پذیرش ایده‌ها و دیدگاه‌های جایگزین است. این عدم انعطاف‌پذیری از دیدگاه روان‌شناسانی همچون ارگ، یکی از عوامل مقاومت در برابر تغییر معرفی شده است. ارگ، چهار عامل مقاومت در برابر تغییر را شامل عدم انعطاف‌پذیری، اندیشه‌های کوتاه‌مدت، عکس‌العمل‌های احساسی و

1. Psychological flexibility

گرایش به روزمرگی می‌داند.^۱

در این میان، ذکر یک نکته مهم ضروری است: علاوه بر روایات هم‌سو، روایاتی با مضمون ظاهراً مخالف نیز در منابع دیده می‌شود. در برخی از روایات، مؤمن به عنوان فردی منعطف و نرم معرفی شده است. به عنوان نمونه، رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

المؤمنون هينون لينون كالجمال اللين الذي ان قيد انقاد، واذا انيخ على صخرة استاخ.^۲

همچنین از آن حضرت نقل شده است:

مثل المؤمن كمثل خامه الزرع تكفئها كذا وكذا.^۳

این نوع روایات در برابر بلایا و حوادث، تکلیف انعطاف‌پذیری را برای فرد مشخص می‌کنند، اما در بسترایمان، معنای منفی دارند و مراد از آن‌ها، عدم ثبات و پایداری است که به نوعی به نرمی و نفوذناپذیری نزدیک است.^۴

بنابراین، قانون انسان‌شناسی که از روایات مورد بررسی کشف شد، پایداری انسان در برابر فشارها را تابع و وابسته به نفوذناپذیری فرد می‌داند و این قانون مخصوص موقعیت‌هایی است که ایمان و باورهای انسان در معرض تهدید قرار دارند؛ در این شرایط فرد باید سرسخت و مقاوم باشد تا سرمایه اصلی و اعتقاداتش محفوظ بماند. اما در موقعیت بلایا و سختی‌ها، انسان باید منعطف و نرم باشد و قدرت تحمل و پذیرش را در خود افزایش دهد.

این یافته‌ها می‌تواند نکات کلیدی مهمی برای نظام تعلیم و تربیت، دانش روان‌شناسی، علم اخلاق و خانواده‌ها ارائه دهد، زیرا نحوه تنظیم انعطاف انسان‌ها در موقعیت‌های خاص را روشن می‌کند و افراد را برای نفوذپذیری در شرایط بلایا و سختی و نیز نفوذناپذیری و مقاومت در شرایط تهدید و فشارهای اجتماعی ناسالم آماده می‌سازد.

نهادهای تربیتی، به ویژه مدارس و دانشگاه‌ها، می‌توانند با بهره‌گیری از این دستاوردها، آموزش‌های نظری و عملی طراحی کنند تا دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان برای موقعیت‌های مختلف زندگی و مواجهه صحیح با فشارهای جامعه آماده شوند.

۱. «بررسی رابطه میان توانمندسازی روان‌شناختی و حمایت رفتاری از تغییرات سازمانی با در نظر گرفتن گرایش به مقاومت در برابر تغییر»، ص ۸۹.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۹۵۳.

۳. همان، ص ۶۴۵.

۴. رک: «بررسی تمثیل «خامه الزرع» در روایات شیعی و مفاد آن»، عباس پسندیده.

با توجه به این که دنیای امروز، دنیای دیجیتال و رسانه محور است و نقش رسانه ها در انتقال مفاهیم دینی بسیار مؤثر و تعیین کننده است، رسالت اصحاب رسانه در این زمینه اهمیت ویژه ای دارد. تولید آثار مفید و کارشناسی شده می تواند نقش موثری در تقویت فرهنگ مقاومت در برابر فشارهای ناسالم، به ویژه در نسل جوان، ایفا کند.

کتابنامه

- آسیب شناسی حدیث، عبد الهادی مسعودی، تهران، سمت، ۱۳۹۲ ش.
- الاصول الستة عشر، عده من الرواة، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۳ ق.
- اعلام الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن محمد دیلمی، تحقیق: موسسه آل البيت (ع)، قم، موسسه آل البيت (ع)، ۱۳۷۳ ش.
- اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی، پیترو کیویستو، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸ ش.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ق)، تحقیق و تصحیح: جمعی از محققان، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق: هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق.
- تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، ابی الحسین ورام مالکی اشتری، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸ ش.
- جامعه شناسی آسیب های اجتماعی، رحمت الله صدیق سروستانی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۸۶ ش.
- جامعه شناسی جنایی، حمیدرضا آدابی، تهران، مرکز بین المللی ترجمه نشر المصطفی، ۱۳۹۳ ش.
- دلایل الإمامة، محمد بن جریر بن رستم طبری آملی صغیر، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثة، قم، بعثت، ۱۴۱۳ ق.
- روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، مسعود آذربایجانی و دیگران، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ ش.

- روان‌شناسی اجتماعی، آرونسون ویلسون، ترجمه: حسین شکرکن، تهران، رشد، ۱۳۸۷ش.
- روان‌شناسی اجتماعی، رابرت بارون، ترجمه: یوسف کریمی، تهران، انتشارات روان، ۱۳۹۷ش.
- روان‌شناسی اجتماعی، ژان استوتزل، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش.
- روش فهم حدیث، عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۸ش.
- روش فهم عمومی متون دینی با رویکرد روان‌شناختی، عباس پسندیده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۹۸ش.
- روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمدتقی مجلسی، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان‌پور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- زمینه روان‌شناسی، اتکینسون و هیلگارد، ترجمه: نصرت الله پور افکاری، تهران، آینده‌سازان، سوم، ۱۳۹۰ش.
- صفات الشیعه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، گردآورنده: امیرتوحیدی، تهران، نشر زراره، ۱۳۸۰ش.
- علل الشرائع، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تحقیق: میرسید جلال الدین محدث ارموی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۰ش.
- الغیبة، محمد بن حسن شیخ طوسی، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
- القاموس المحيط، أبوطاهر مجدالدین محمد بن یعقوب فیروز آبادی (م ۸۱۷ق)، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
- قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: دارالحدیث، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
- کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، چاپ اسلامی، ۱۳۹۵ق.
- لسان العرب، ابن منظور محمد بن مکرم، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.

- مجمع البحرين، فخرالدین طریحی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، سوم، ۱۴۱۶ق.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، تحقیق: جلال الدین محدث، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، تحقیق: مؤسسة آل البيت (علیه السلام)، قم، مؤسسة آل البيت (علیه السلام)، ۱۴۰۸ق.
- مفردات ألفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- منطق فهم حدیث، سید محمد کاظم طباطبائی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰ش.
- نهج البلاغة، محمد بن حسین شریف الرضی، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
- الوافی، محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، ۱۳۶۵ش.
- وسائل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: مؤسسة آل البيت (علیه السلام)، قم، مؤسسة آل البيت (علیه السلام)، ۱۴۰۹ق.
- «بررسی الگوی مقاومت بنی اسرائیل در فرایند نهاده سازی گفتمان صبر در جامعه اسلامی»، محمد تقی احمدی پور، فصلنامه مطالعات علوم قرآن، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹ش.
- «بررسی تمثیل «خامه الزرع» در روایات شیعی و مفاد آن»، عباس پسندیده، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۴ (پیاپی ۹۴)، ص ۳-۲۷.
- «بررسی رابطه بین باورهای مذهبی با تاب آوری و امید به زندگی در زنان سرپرست خانوار بهزیستی شیراز»، فاطمه ابراهیم نیا، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی مرو دشت، ۱۳۹۳ش.
- «بررسی رابطه میان توانمندسازی روان شناختی و حمایت رفتاری از تغییرات سازمانی با در نظر گرفتن گرایش به مقاومت در برابر تغییر»، فرزانه محمدی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۴ش.

«بررسی مفهوم مقاومت با رویکرد اجتماعی در آیات قرآن»، اصغر زاهدی تیر، فصلنامه علمی مطالعات تفسیری، دوره ۱۰، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۸ ش.

«تحلیل و ارزیابی نظریه فشار بر اساس آموزه‌های اسلامی»، امیرحسین عباسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۷ ش.

«شناسایی عوامل شخصیتی مقاومت رفتاری در برابر تغییر»، سجاد تمدن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ولیعصر رفسنجان، ۱۳۹۲ ش.

«نسل دوم حدیث پژوهی؛ معنا، مبنا و روش»، عباس پسندیده، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۲ (پیاپی ۱۰۰)، ص ۶۴-۸۶.